

ارزیابی برخی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ (بررسی تطبیقی جایگاه ایران در خاورمیانه)

حامد شیری، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور*

چکیده

مقاله حاضر در چارچوب اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و با استناد به داده‌های گزارش توسعه انسانی، می‌کوشد تا وضعیت برخی شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی ایران را به طور تطبیقی در بین کشورهای خاورمیانه بررسی کند. در این پژوهش، وضعیت توسعه انسانی در ایران در مقایسه با کشورهای منطقه بر پایه داده‌های سال ۲۰۱۱، نسبت به سال آغازین شروع سند چشم‌انداز؛ یعنی ۲۰۰۵ تحلیل شده است. از نظر روش‌شناسی، مطالعه حاضر از طریق تحلیل ثانویه داده‌های گزارش توسعه انسانی (HDR, 2005-2011) به اجرا درآمده است. بر اساس نتایج به دست آمده، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۱۱ تقریباً ۰/۰۳۶ رشد داشته است. با وجود این، اگر چه رشد محدودی در برخی شاخص‌ها دیده می‌شود، اما هنوز ایران نسبت به جایگاه مفروض در سند چشم‌انداز فاصله زیادی دارد و در بسیاری شاخص‌ها (مانند شاخص "مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال"، درآمد سرانه و...) جایگاه ایران تغییری نکرده و در موارد معدودی (مانند سهم زنان در مشارکت پارلمانی) به رتبه پایین سقوط کرده است.

کلید واژه‌ها: گزارش توسعه انسانی (HDR)، شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، کشورهای خاورمیانه، ایران

مقدمه

موضوع «توسعه» و «جامعه توسعه یافته»، از محورهای عمده در تحلیل‌های اندیشمندان علوم اجتماعی است که تفکر در باب این مسأله را به مثابه مسأله‌ای بنیادی جامعه‌های انسانی برانگیخته است. موضوعی که دیدگاه‌ها و رویکردهای متعدد در باب توسعه، ابعاد، چگونگی دستیابی و سنجش این مفهوم را بسط داده و تعمیق کرده است. نخستین و عمومی‌ترین برداشت از مفهوم توسعه، در تئوری‌های اقتصادی و با اتکا به شاخص‌های «توسعه اقتصادی» تعریف شده است که ملاک‌هایی، چون: افزایش درآمد، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال و ... را معرف توسعه در نظر می‌گیرد. این برداشت در نتیجه انتقادهای متعدد و با برچسب تقلیل‌گرایی به چالش کشیده شده است. روشه (۱۳۸۵) در مقابل این تعاریف محدود، توسعه را عبارت از کلیه کنش‌هایی می‌داند که به منظور «سوق دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه‌ای منظم از شرایط زندگی فردی و جمعی»، صورت گرفته و در ارتباط با بعضی ارزش‌ها «مطلوب» تشخیص داده شده است. در دیدگاه‌های جدید، توسعه مفهومی چندبعدی تعریف می‌شود که دلالت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که از لحاظ کلیه شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توسعه یافته است.

علی‌رغم پذیرش این واقعیت، محققان و پژوهشگران هنوز مقیاسی جامع و مانع برای ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی جوامع نیافته‌اند. با وجود این، تلاش‌های درخور توجهی به منظور ساختن شاخص‌ها و مقیاس‌های سنجش «توسعه‌یافتگی» انجام شده است. مقیاس یا «شاخص توسعه انسانی»^۱ که سازمان ملل آن را ارائه کرده است، از جمله کامل‌ترین و دقیق‌ترین مقیاس‌های موجود است. کشورهای مختلف جهان در این مقیاس، بر اساس شاخص

توسعه انسانی و مؤلفه‌های آن مقایسه شده و سطوح توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی آنها مشخص می‌شود. در مقاله حاضر، با اتخاذ رویکردی مقایسه‌ای و تطبیقی، شاخص‌های توسعه انسانی در ایران مطالعه شده است. از نظر تطبیقی، وضعیت توسعه انسانی ایران در بین کشورهای خاورمیانه بررسی و از منظر مقایسه‌ای، روند تغییر در این شاخص‌ها در دوره ۲۰۰۵ - ۲۰۱۱ سنجش شده است. هدف از این بررسی، تحلیل و ارزیابی واقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه در کشور با استناد به اهداف سند سیاستگذاری چشم‌انداز بیست ساله است که بر اساس آن، در یک برنامه‌ریزی ۲۰ ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴)، ایران باید به سطح قدرت اول اقتصادی، فنی و علمی منطقه برسد.^۲ در این پژوهش، وضعیت توسعه انسانی در ایران در قیاس با کشورهای منطقه بر پایه داده‌های سال ۲۰۱۱، نسبت به سال آغازین شروع سند چشم‌انداز؛ یعنی ۲۰۰۵ مقایسه شده است. انجام این مطالعه، از یک سو، امکان ارزیابی رشد شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی کشور در دوره زمانی تقریباً ۶ - ۵ سال اول شروع سند چشم‌انداز را میسر می‌سازد و از طرف دیگر، با توجه به اهداف سند چشم‌انداز، جایگاه ایران را در بین کشورهای منطقه مشخص ساخته و سنجش دقیقی از تلاش‌های صورت گرفته برای دستیابی به اهداف فراهم می‌سازد.

تأملی بر پژوهش‌های پیشین

حساسیت و دغدغه پژوهشگران و محققان اجتماعی نسبت به مسأله توسعه در ایران، تلاش برای انجام تحقیقات تجربی و تحلیل شاخص‌های عینی در اشکال مختلف و رویکردهای متنوع را موجب شده است. به طور خاص، مطالعات متعددی با تحلیل ثانویه داده‌های سالانه گزارش توسعه انسانی^۳ به منظور مقایسه کشورهای مختلف انجام شده است (موسوی

^۲ سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

^۳ Human Development Report

^۱ Human Development Index

کشور ترکیه ایران رتبه دوم را در بین ۱۰ کشور خاورمیانه از نظر نابرابری درآمدی داشته است. محتوای شاخص‌های گزارش توسعه انسانی در پژوهش کلانتری و شیرینی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که وضعیت کشور معرف توسعه‌یافتگی و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی نیست. پژوهش حاضر در تداوم پژوهش مذکور، وضعیت کنونی ایران را با گذشت دوره تقریباً ۵-۶ ساله از آغاز سند چشم‌انداز به طور تطبیقی در بین کشورهای منطقه تحلیل قرار می‌کند. این ارزیابی می‌تواند نقاط قوت و ضعف را مشخص ساخته، مقیاسی تجربی برای سنجش تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر را فراهم کند.

روش تحقیق

روش استفاده شده در تحقیق حاضر مبتنی بر تحلیل ثانویه است؛ بدین معنا که داده‌های گزارش توسعه انسانی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ (HDR, 2005 & 2011) برای ۱۶ کشور خاورمیانه استخراج شده و در قالب شاخص‌های مورد نظر، تجزیه و تحلیل شده‌اند. با توجه به این که در مورد برخی از شاخص‌ها برای سال ۲۰۱۱ داده‌ای در دسترس نبوده است، داده‌های ۲۰۱۰ یا ۲۰۰۹ جایگزین شده‌اند. همچنین، در مواردی دیگر برای برخی از کشورها متأسفانه داده‌های مورد نظر برای سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ در دسترس نبوده است. از این رو، در چنین مواردی به میانگین داده‌های موجود در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ استناد شده است.

شیوه ارائه نتایج نیز بدین صورت است که در هر یک از شاخص‌های بررسی شده ابتدا نرخ رشد در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ محاسبه شده و کشورها بر اساس بالاترین نرخ رشد در جدول رتبه‌بندی شده‌اند. سپس در ستونی جداگانه رتبه و جایگاه کشورها در هر یک از شاخص‌ها برای سال ۲۰۰۵ و همچنین، ۲۰۱۱ مشخص شده و تغییرات آنها مورد بحث قرار گرفته است. داده‌های جداول با تأکید بر جایگاه و وضعیت ایران تحلیل شده‌اند.

خامنه، ۱۳۸۹). بررسی‌های داخلی، معطوف به مقایسه ایران با سایر کشورهای جهان (فیض‌زاده، ۱۳۸۲) بر حسب شاخص‌ها و مؤلفه‌های گوناگون توسعه انسانی است. بخش دیگری از این بررسی‌ها، معطوف به ارزیابی‌های ملی (دهم‌رده، و همکاران، ۱۳۸۹؛ عباسی‌نژاد و رفیعی‌امام، ۱۳۸۵؛ بختیاری و همکاران، ۱۳۸۵؛ صادقی، ۱۳۸۶؛ آذر و غلامرضایی، ۱۳۸۵) است که در آن استان‌ها و شهرها و مناطق کشور مطالعه شده‌اند.

در پژوهشی (کلانتری و شیرینی، ۱۳۸۶) بر اساس داده‌های گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۴، وضعیت ایران را از نظر شاخص‌های متعدد اقتصادی - اجتماعی به صورت تطبیقی در بین کشورهای خاورمیانه مطالعه می‌کنند. داده‌های این پژوهش که به نوعی در ارتباط با وضعیت ایران در یک سال قبل از شروع سند چشم‌انداز است، تصویری از جایگاه ایران در آن مقطع زمانی و افق‌ها و خواسته‌های پیش‌رو برای دستیابی به اهداف مورد نظر را ترسیم می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که شاخص توسعه انسانی در ایران در یک دوره زمانی ۳۰ ساله دارای حرکت صعودی بوده، اما جایگاه ایران در سال ۲۰۰۴ در بین کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای منطقه چندان مطلوب نیست؛ به طوری که ارزش شاخص توسعه انسانی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه نسبتاً زیاد بوده و رتبه دهم را در بین ۱۸ کشور خاورمیانه به دست آورده است (HDR, 2004). با اتکا به ارزش شاخص توسعه انسانی، ایران (با ارزش شاخص ۰/۷۴) در زمره کشورهای با توسعه «متوسط رو به بالا» قرار گرفته، در حالی که ارزش شاخص توسعه انسانی برخی از کشورهای منطقه، مانند: کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان بیش از ۸۰/۰ بوده و در سطح کشورهای با توسعه انسانی «بالا» طبقه‌بندی شده‌اند. از نظر شاخص «توسعه مرتبط با جنسیت» (GDI) و شاخص «نابرابری در توزیع درآمد» نیز وضعیت ایران در منطقه چندان مناسب نبوده؛ به گونه‌ای که در شاخص نخست رتبه هشتم را در بین ۱۴ کشور خاورمیانه به خود اختصاص داده است و در شاخص دوم نیز پس از

شاخص توسعه انسانی یا HDI^۱

سازمان برنامه و توسعه سازمان ملل (UNDP)، شاخص توسعه انسانی را در سال ۱۹۹۰ به وجود آورد و گزارشی را در این سال منتشر کرد که در آن اهمیت توجه به توسعه انسانی در سطح جهان مدنظر قرار گرفت. در گزارش توسعه سازمان ملل (human development report, 1994)، «توسعه انسانی» چنین تعریف شده است: «توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشر توسعه می‌یابد. هر چند این امکانات با مرور زمان می‌تواند اساساً دچار تغییر در تعریف شود، اما در کلیه سطوح توسعه، مسأله برای مردم عبارت است از: «برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی»، «دستیابی به دانش» و «توانایی نیل به منابعی که برای پدید آوردن سطح مناسب زندگی لازم است». چنانچه این سه امکان غیرقابل حصول بماند، بسیاری از موفقیت‌های زندگی دست‌نیافتنی خواهد بود^۲. بنابراین، شاخص توسعه انسانی با سه مؤلفه:

۱- طول عمر یا امید به زندگی در بدو تولد^۳

۲- آموزش (میزان باسوادی بزرگسالان براساس دوسوم ارزش کل و درصد ثبت نام ناخالص ترکیبی در مدارس ابتدایی، متوسطه و دبیرستان براساس یک‌سوم ارزش کل)^۴

۳- و سرانه «تولید ناخالص داخلی» (GDP)^۵ اندازه‌گیری می‌شود. شاخص توسعه انسانی در مقیاسی بین یک (بالاترین ارزش) و صفر (پایین‌ترین ارزش) قرار دارد، به طوری که ارزش‌های ۰/۸ و بالاتر از آن، بیانگر توسعه انسانی «سطح بالا» و ارزش‌های بین ۰/۵ تا ۰/۸ دال بر توسعه انسانی «متوسط» و ارزش‌های کمتر از ۰/۵، مؤید توسعه انسانی «پایین» است.

البته، باید در نظر داشت به دلیل انتقاداتی که بر شاخص

توسعه انسانی وارد شده است، از جمله انتقاد از کلی بودن این شاخص و ضعف آن در نمایاندن وضعیت انسانی کشورها و

به‌ویژه در بازنمایی این حقیقت که گروه‌های طبقاتی و جنسیتی مختلف در یک کشور در سطوح نابرابر و متفاوتی از توسعه انسانی قرار دارند، شاخص توسعه انسانی مورد تعدیل قرار گرفته است تا تصویری واقع‌گرا از چگونگی وضعیت توسعه انسانی ارائه دهد. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، هم اکنون به صورت سالیانه و در قالب هشت شاخص - که هر یک دربرگیرنده معرف‌های متعددی است - ارائه می‌شود. این شاخص‌ها عبارتند از: (۱) شاخص بهداشت؛ (۲) شاخص آموزش؛ (۳) شاخص درآمد؛ (۴) شاخص نابرابری؛ (۵) شاخص فقر؛ (۶) شاخص جنسیت؛ (۷) شاخص پایداری؛ (۸) شاخص جمعیت. در اینجا هر یک از این شاخص‌ها و معرف‌های آن^۶ برای کشورهای خاورمیانه در دوره‌های زمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ محاسبه و به طور تطبیقی جایگاه ایران تحلیل و ارزیابی شده است:

شاخص بهداشت^۷

گزارش توسعه انسانی، داده‌های مربوط به این شاخص را در معرف‌های «هزینه بهداشت (توسط بخش عمومی)»، «نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال» و «امید به زندگی در بدو تولد» نشان می‌دهد:

هزینه‌های بهداشت توسط بخش عمومی (% از GDP)^۸

نخستین معرف این شاخص، هزینه‌هایی است که توسط بخش عمومی به حوزه بهداشت و سلامت اختصاص داده می‌شود. در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل این هزینه‌ها به صورت درصدی از GDP بیان می‌شود. در جدول ۱ میزان هزینه

^۶ شایان ذکر است که در این مطالعه شاخص پایداری و شاخص جمعیت بررسی نشده‌اند. در مورد شاخص پایداری فقدان داده‌های آماری برای بسیاری از کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه ایران و در مورد شاخص جمعیت نیز فقدان اهمیت شاخص و معرف‌های آن و ضرورت نداشتن ارزیابی و مقایسه و مهم‌تر از همه، پرهیز از افزایش حجم مقاله علت این انتخاب بوده است. علاوه بر این، در مورد سایر شاخص‌ها نیز برخی معرف‌ها به علت نداشتن داده‌های مربوط به سال‌های اخیر و عدم امکان مقایسه از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند.

^۷ Health Indicator

^۸ Expenditure on health, public (% of GDP)

^۱ Human Development Index

^۲ Human Development Report (1994), UNDP, New York oxford, university Press

^۳ life Expectancy at Birth

^۴ Adult literacy Rate & combined gross enrolment ratio for primary, secondary, and tertiary schools

^۵ Gross Domestic Product Per Capita

شده است: در حالی که هزینه بهداشت در ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۳/۲ درصد از GDP بوده است، این هزینه در سال ۲۰۰۹ با کاهش مواجه شده و به ۳ درصد رسیده است. ایران هم در سال ۲۰۰۵ و هم در سال ۲۰۰۹ در جایگاه چهارم در بین ۱۶ کشور منطقه خاورمیانه قرار گرفته است.

اختصاص داده شده در کشورهای خاورمیانه در دو دوره زمانی، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ مقایسه شده است. بر اساس نتایج، بالاترین نرخ رشد در این دوره زمانی به ترتیب به کشورهای اردن و لبنان و پایین‌ترین نرخ به عراق و ترکیه اختصاص دارد. از نظر نرخ رشد، ایران در این دوره با رشد منفی مواجه

جدول ۱- هزینه‌های بهداشت توسط بخش عمومی (% از GDP)

نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹		سال ۲۰۰۹		سال ۲۰۰۵		کشورهای خاورمیانه
رتبه	نرخ رشد	رتبه	هزینه (% از GDP)	رتبه	هزینه (% از GDP)	
۱	۰/۳	۱	۵/۴	۱	۱/۵	اردن
۲	۰/۲	۲	۳/۹	۳	۳/۷	لبنان
۳	۰/۱	۸	۲/۴	۹	۲/۳	مصر
۴	۰/۱	۱۶	۰/۸	۱۶	۰/۷	پاکستان
۵	۰/۱	۶	۲/۷	۷	۲/۶	عربستان
۶	۰/۱	۹	۱/۹	۱۳	۱/۸	امارات
۷	۰/۱	۱۳	۱/۷	۱۵	۱/۶	کویت
۸	۰	۷	۲/۶	۸	۲/۶	بحرین
۹	-۰/۲	۴	۳	۴	۳/۲	ایران
۱۰	-۰/۲	۵	۲/۹	۵	۳/۱	قطر
۱۱	-۰/۲	۱۰	۱/۹	۱۰	۲/۱	عمان
۱۲	-۰/۲	۱۵	۱/۵	۱۴	۱/۷	یمن
۱۳	-۰/۳	۱۲	۱/۸	۱۱	۲/۱	افغانستان
۱۴	-۰/۵	۱۴	۱/۶	۱۲	۲/۱	سوریه
۱۵	-۰/۷	۳	۳/۴	۲	۴/۱	ترکیه
۱۶	-۱/۱	۱۱	۱/۹	۶	۳	عراق

ترتیب هم در سال ۲۰۰۵ و هم در سال ۲۰۰۹ کمترین نرخ مرگ و میر کودکان را داشته‌اند؛ به طوری که در سال ۲۰۰۹ این سه کشور به ترتیب ۷، ۱۰ و ۱۱ نفر مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال را به ازای هر ۱۰۰۰ تولد داشته‌اند.

میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در ایران در سال ۲۰۰۵ برابر ۳۷ و در سال ۲۰۰۹ برابر ۳۱ مورد به ازای هر ۱۰۰۰ تولد زنده بوده است که کاهش ۶ نفری را نشان می‌دهد. با وجود این، ایران هم در سال ۲۰۰۵ و هم ۲۰۰۶ در بین ۱۶ کشورهای خاورمیانه جایگاه دوازدهم را دارد. به عبارتی، ایران تنها از کشورهایی چون افغانستان، پاکستان، یمن و عراق وضعیت بهتری دارد.

مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال (در هر ۱۰۰۰ تولد)^۱

مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال به ازای هر ۱۰۰۰ تولد، معرف دوم شاخص بهداشت است. در جدول ۲ داده‌های این شاخص برای کشورهای منطقه در دو دوره زمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ محاسبه شده است. بر اساس نتایج جدول ۲، کشورهای یمن، مصر، پاکستان و افغانستان، بیشترین نرخ کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال را در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۵ داشته‌اند، اما این کشورها هنوز هم از نظر میزان مرگ و میر آمار بسیار بالایی دارند. در مقابل امارات، کویت و قطر به

^۱ Under-five mortality rate (per 1,000 live births)

جدول ۲- مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال

کشورهای خاورمیانه	سال ۲۰۰۵		سال ۲۰۰۹		نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹	
	نرخ مرگ و میر	رتبه	نرخ مرگ و میر	رتبه	نرخ کاهش	رتبه
یمن	۸۰	۱۴	۶۶	۱۴	۱۴	۱
مصر	۳۰	۱۱	۲۱	۹	۹	۲
پاکستان	۹۶	۱۵	۸۷	۱۵	۹	۲
افغانستان	۲۰۸	۱۶	۱۹۹	۱۶	۹	۲
ترکیه	۲۸	۱۰	۲۰	۸	۸	۵
ایران	۳۷	۱۲	۳۱	۱۲	۶	۶
لبنان	۱۷	۶	۱۲	۴	۵	۷
عمان	۱۶	۵	۱۲	۴	۴	۸
امارات	۹	۱	۷	۱	۲	۹
سوریه	۱۸	۷	۱۶	۷	۲	۹
اردن	۲۷	۹	۲۵	۱۱	۲	۹
کویت	۱۱	۲	۱۰	۲	۱	۱۲
قطر	۱۲	۳	۱۱	۳	۱	۱۲
عربستان	۲۲	۸	۲۱	۹	۱	۱۲
عراق	۴۵	۱۳	۴۴	۱۳	۱	۱۲
بحرین	۱۲	۳	۱۲	۴	۰	۱۶

امید به زندگی در بدو تولد^۱

«امید به زندگی در بدو تولد» از شناخته شده‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های گزارش توسعه انسانی و یکی دیگر از معرف‌های شاخص بهداشت است. این مؤلفه ناظر بر احتمال زنده ماندن هر فرد در یک جامعه است. جدول ۳، «میزان امید به زندگی» را در بین کشورهای خاورمیانه و به طور مقایسه‌ای برای سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ نشان می‌دهد. کشورهای یمن و افغانستان بیشترین افزایش در امید به زندگی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ را داشته‌اند که رشدی بیشتر از تقریباً ۲ سال است، در مقابل در کشور عمان امید به زندگی منفی بوده و ۰/۴ سال کاهش یافته است. به ترتیب، کشورهای قطر، امارات و سوریه بالاترین و کشورهای افغانستان، پاکستان و یمن پایین‌ترین امید به زندگی را در سال ۲۰۰۵ و همچنین ۲۰۱۱ داشته‌اند. امید به زندگی در ایران به ترتیب برای سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ برابر ۷۱/۳ و ۷۳ سال است که بیانگر رشدی معادل ۱/۷ سال

است. از این رو، موقعیت ایران از رتبه ۱۲ در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۰ در سال ۲۰۱۱ در بین ۱۶ کشور خاورمیانه ارتقا یافته است.

شاخص آموزش^۲

آموزش و مؤلفه‌های مرتبط با آن، موضوع مهمی است که گزارش توسعه انسانی مورد تأکید قرار می‌دهد. در این شاخص، داده‌های گزارش توسعه انسانی وضعیت کشورها را از نظر هزینه‌های آموزشی، دستیابی به دانش و ظرفیت‌های کسب دانش توصیف می‌کند. معرف‌های این شاخص و داده‌های آن برای کشورهای خاورمیانه و به طور مقایسه‌ای برای دوره‌های زمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ در ادامه مورد بحث قرار گرفته است:

^۱ Life expectancy at birth

^۲ Education Indicator

جدول ۳- امید به زندگی در بدو تولد (بر حسب سال)

سال ۲۰۰۵		سال ۲۰۱۱		نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱		کشورهای خاورمیانه
امید به زندگی	رتبه	امید به زندگی	رتبه	تراخ افزایش	رتبه	
۶۲/۷	۱۵	۶۵/۵	۱۴	۲/۸	۱	یمن
۴۶/۶	۱۶	۴۸/۷	۱۶	۲/۱	۲	افغانستان
۷۲/۱	۹	۷۴	۶	۱/۹	۳	ترکیه
۷۱/۳	۱۲	۷۳	۱۰	۱/۷	۴	ایران
۷۱/۶	۱۰	۷۳/۲	۹	۱/۶	۵	مصر
۷۲/۵	۸	۷۳/۹	۷	۱/۴	۶	عربستان
۶۴/۱	۱۴	۶۵/۴	۱۵	۱/۳	۷	پاکستان
۷۱/۵	۱۱	۷۲/۶	۱۲	۱/۱	۸	لبنان
۷۵/۵	۲	۷۶/۵	۲	۱	۹	امارات
۷۴/۹	۳	۷۵/۹	۳	۱	۹	سوریه
۷۷/۴	۱	۷۸/۴	۱	۱	۹	قطر
۷۲/۶	۷	۷۳/۴	۸	۰/۸	۱۲	اردن
۷۴/۳	۴	۷۵/۱	۴	۰/۸	۱۲	بحرین
۷۳/۹	۵	۷۴/۶	۵	۰/۷	۱۴	کویت
۶۸/۴	۱۳	۶۹	۱۳	۰/۶	۱۵	عراق
۷۳/۴	۶	۷۳	۱۰	-۰/۴	۱۶	عمان

درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) خود به هزینه‌های آموزشی رتبه چهارم را دارد. در دوره زمانی مذکور برخی کشورهای خاورمیانه فاقد داده‌ای برای ارزیابی بوده‌اند.

نرخ باسوادی بزرگسالان (درصد ۱۵ سال و بالاتر)^۳

درصد باسوادی بزرگسالان بالای ۱۵ سال از مؤلفه‌های مهم شاخص آموزش است. در جدول ۵ داده‌های این مؤلفه برای کشورهای خاورمیانه و در دو دوره زمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸-۲۰۱۰^۴ مقایسه شده است. از نظر نرخ رشد، ایران با رشدی برابر ۸ درصد در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ رتبه اول را دارد؛ به طوری که نرخ باسوادی بزرگسالان از ۷۷ درصد در سال ۲۰۰۵

هزینه عمومی آموزش (% از GDP)^۱

هزینه عمومی آموزش به مخارجی اشاره دارد که بخش عمومی در آموزش و مسائل مرتبط با آن صرف می‌کند. این هزینه در گزارش توسعه انسانی به صورتی بیان می‌شود که سهم این هزینه‌ها از GDP را نشان می‌دهد. در جدول ۴، میانگین هزینه عمومی آموزش در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ برای کشورهای خاورمیانه محاسبه شده است.^۲ بر اساس نتایج به دست آمده کشور عربستان با اختصاص ۵/۹۸ درصد از GDP به طور میانگین به آموزش در بین ۱۱ کشور خاورمیانه رتبه نخست را به دست آورده است. پایین‌ترین رتبه را در این شاخص کشور امارات دارد. ایران نیز با اختصاص ۴/۹۶

^۱ Life expectancy at birth

^۲ به دلیل این که برای همه کشورها داده‌های سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ در دسترس نبوده، امکان مقایسه زمانی این شاخص وجود نداشته است. همچنین، به خاطر پراکندگی زمانی داده‌های موجود، "میانگین" هزینه‌های عمومی آموزش در فاصله سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ محاسبه شده و کشورها بر اساس "میانگین" مقایسه شده‌اند. برای برخی کشورها نیز در این دامنه زمانی هیچ داده‌ای وجود نداشته است.

^۳ Adult literacy rate(% aged 15 and above)

^۴ با توجه به اینکه داده‌های مربوط به کشورهای خاورمیانه در سال‌های اخیر پراکنده بوده و به طور یکسان در یک سال مشخص برای همه کشورها وجود نداشته است، ناگزیر میانگین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ مبنای مقایسه قرار گرفته است.

کشورهای قطر، کویت، اردن، بحرین و ترکیه در سال ۲۰۱۰ نرخ باسوادی بالای ۹۰ درصد دارند و در مقابل باسوادی در کشوری مثل پاکستان برابر ۵۵ سال است. البته، به دلیل فقدان داده در سال‌های مورد بررسی، کشورهای مثل افغانستان، لبنان، امارات و یمن از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند.

به ۸۵ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است. با وجود این رتبه نخست باسوادی در سال ۲۰۱۰ به کشور قطر با ۹۶/۳ درصد اختصاص دارد. علی‌رغم رشد نرخ باسوادی، جایگاه ایران نسبت به سال ۲۰۰۵ فقط یک پله ارتقا یافته و ایران در بین ۱۳ کشور خاورمیانه از رتبه ۹ به رتبه ۸ ارتقا یافته است.

جدول ۴- هزینه عمومی آموزش

رتبه	کشورهای خاورمیانه	میانگین هزینه عمومی آموزش (از GDP) ۲۰۰۵-۲۰۰۹
۱	عربستان	۵/۹۸
۲	یمن	۵/۲
۳	سوریه	۵/۱
۴	ایران	۴/۹۶
۵	کویت	۴/۲۵
۶	مصر	۴/۰۸
۷	عمان	۳/۷
۸	بحرین	۳/۱
۹	پاکستان	۲/۶۶
۱۰	لبنان	۲/۳۴
۱۱	امارات	۱/۱
۱۲	افغانستان	
۱۳	عراق	
۱۴	اردن	
۱۵	قطر	
۱۶	ترکیه	

جدول ۵- شاخص نرخ باسوادی بزرگسالان (درصد افراد ۱۵ سال و بالاتر)

کشورهای خاورمیانه	سال ۲۰۰۵		سال ۲۰۰۸-۲۰۱۰		نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰	
	رتبه	درصد باسوادی	رتبه	درصد باسوادی	رتبه	نرخ رشد
ایران	۷۷	۹	۸۵	۸	۸	۸
قطر	۸۹	۳	۹۶/۳	۱	۷/۳	۲
عربستان	۷۹/۴	۸	۸۶/۶	۷	۷/۲	۳
عمان	۸۱/۴	۶	۸۷	۶	۵/۶	۴
بحرین	۸۶/۵	۵	۹۲	۴	۵/۵	۵
پاکستان	۴۹/۹	۱۲	۵۵	۱۲	۵/۱	۶
عراق	۷۴/۱	۱۰	۷۸/۱	۱۰	۴	۷
سوریه	۷۹/۶	۷	۸۳/۵	۹	۳/۹	۸
ترکیه	۸۷/۴	۴	۹۰/۸	۵	۳/۴	۹
اردن	۸۹/۹	۲	۹۲/۶	۳	۲/۷	۱۰
کویت	۹۳/۳	۱	۹۴	۲	۰/۷	۱۱
مصر	۷۱/۴	۱۱	۷۲/۰۵	۱۱	۰/۶۵	۱۲
افغانستان	۲۸/۱	۱۳				
لبنان						
امارات						
یمن						

میانگین سال‌های مدرسه رفتن (بزرگسالان)^۱

میانگین سال‌های مدرسه رفتن بزرگسالان مؤلفه دیگری است که اهمیت آموزش و نقش آن در توسعه انسانی کشورها را بازنمایی می‌کند. در جدول ۶ نتایج این شاخص، به طور مقایسه‌ای در بین کشورهای خاورمیانه در دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ بررسی شده است. بر این اساس، ایران با میانگین ۱/۲ سال بیشترین نرخ رشد را در سال ۲۰۱۱ (با میانگین ۷/۳ سال) نسبت به ۲۰۰۵ (با میانگین ۶/۱ سال) در بین کشورهای خاورمیانه از نظر شاخص سال‌های مدرسه رفتن به خود اختصاص داده است. اگرچه ایران نرخ رشد بالایی را تجربه کرده است، اما جایگاه آن در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۰۵ تغییری نکرده است و در رتبه هفتم در بین ۱۶ کشور خاورمیانه قرار دارد. کشورهای بحرین و امارات به ترتیب با میانگین ۹/۴ و ۹/۳ سال در سال ۲۰۱۱ بالاترین رتبه را از لحاظ میانگین مدرسه رفتن بزرگسالان دارند. کشورهای یمن، افغانستان و پاکستان نیز از این نظر در پایین‌ترین رتبه‌بندی قرار دارند.

نرخ ثبت نام ناخالص ترکیبی در مدارس^۲

جدول ۷ میانگین نرخ ثبت نام ناخالص ترکیبی در مدارس (سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱) را برای کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد^۳. بر اساس داده‌های این شاخص کشورهای عربستان، لبنان و امارات، بالاترین نرخ ثبت نام ترکیبی را به خود اختصاص داده‌اند. پایین‌ترین درصد به کشور پاکستان مربوط است. ایران نیز با ۶۹/۷۴ درصد در رتبه هفتم قرار دارد. برای برخی کشورها هم داده‌ای در این دوره زمانی وجود نداشته است.

شاخص درآمد^۴

شاخص درآمد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی و ناظر بر شرایط و وضعیت اقتصادی کشورهاست. این شاخص دربرگیرنده دو معیار سرانه GNI (درآمد ناخالص ملی) و سرانه GDP (تولید ناخالص داخلی) است. چون داده‌های این دو شاخص اختلاف زیادی با هم ندارند، در اینجا فقط سرانه GNI گزارش شده است:

سرانه GNI یا درآمد ناخالص ملی (بر حسب برابری قدرت خرید به دلار آمریکا)^۵

سرانه GNI یا سرانه درآمد ناخالص ملی شاخصی است که از تقسیم درآمد ملی یک کشور به جمعیت آن به دست می‌آید. این شاخص بر حسب "برابری قدرت خرید"^۶ به دلار آمریکا محاسبه می‌شود تا امکان مقایسه کشورهای فراهم شود. در مقایسه کشورهای خاورمیانه (جدول ۸) کشور قطر با اختلاف فاحش ۴۶ هزار دلاری بیشترین نرخ افزایش درآمد سرانه را در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ داشته است؛ به طوری که درآمد این کشور در ۲۰۱۱ به بیش از ۱۰۷ هزار دلار رسیده است. در مقابل کشورهایی، چون: یمن، پاکستان و افغانستان کمترین درآمد را هم در ۲۰۰۵ و هم ۲۰۱۱ داشته‌اند.

ایران از نظر نرخ رشد درآمد سرانه رتبه هشتم را در بین ۱۶ کشور داراست و از نظر میزان درآمد اگرچه در سال ۲۰۱۱ نسبت به ۲۰۰۵ تقریباً ۱۰۰۰ دلار افزایش را نشان می‌دهد، اما رتبه ایران تفاوتی نکرده و همان جایگاه نهم را به دست آورده است. درآمد سرانه ایران در ۲۰۱۱ تقریباً ۱۰ هزار دلار آمریکا بوده است.

^۱ Mean years of schooling (of adults)

^۲ Combined gross enrolment in education

^۳ باتوجه به اینکه داده‌های مرتبط با این شاخص به صورت پراکنده و برای سال‌های مختلف و غیرمشابه بوده صرفاً میانگین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ محاسبه شده است.

^۴ Income Indicator

^۵ GDP per capita in PPP terms (constant 2005 international \$)

^۶ Purchasing power parity

جدول ۶- میانگین سال‌های مدرسه رفتن (بزرگسالان)

کشورهای خاورمیانه	سال ۲۰۰۵		سال ۲۰۱۱		نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱	
	رتبه	میانگین سال	رتبه	میانگین سال	رتبه	نرخ رشد
ایران	۶/۱	۷	۷/۳	۷	۱/۲	۱
امارات	۸/۴	۲	۹/۳	۲	۰/۹	۳
مصر	۵/۵	۱۱	۶/۴	۹	۰/۹	۲
یمن	۱/۸	۱۶	۲/۵	۱۶	۰/۷	۴
افغانستان	۲/۶	۱۵	۳/۳	۱۵	۰/۷	۵
اردن	۸	۳	۸/۶	۳	۰/۶	۶
عربستان	۷/۲	۵	۷/۸	۵	۰/۶	۷
بحرین	۹	۱	۹/۴	۱	۰/۴	۸
ترکیه	۶/۱	۷	۶/۵	۸	۰/۴	۱۰
پاکستان	۴/۵	۱۴	۴/۹	۱۴	۰/۴	۹
قطر	۷	۶	۷/۳	۶	۰/۳	۱۲
عراق	۵/۳	۱۳	۵/۶	۱۲	۰/۳	۱۱
کویت	۶	۹	۶/۱	۱۰	۰/۱	۱۳
لبنان	۷/۹	۴	۷/۹	۴	۰	۱۴
سوریه	۵/۷	۱۰	۵/۷	۱۱	۰	۱۶
عمان	۵/۵	۱۱	۵/۵	۱۳	۰	۱۵

جدول ۷- نرخ ثبت نام ناخالص ترکیبی در مدارس

کشورهای خاورمیانه	سال ۲۰۰۹-۲۰۰۵	
	رتبه	میانگین (درصد)
عربستان	۱	۸۰/۴
لبنان	۲	۷۹/۳۵
امارات	۳	۷۸/۱
اردن	۴	۷۷/۰۸
ترکیه	۵	۷۲/۷۲
عمان	۶	۷۰/۱
ایران	۷	۶۹/۷۴
سوریه	۸	۶۵/۶۳
قطر	۹	۶۴/۵۸
افغانستان	۱۰	۵۵/۷
یمن	۱۱	۵۴/۴
پاکستان	۱۲	۴۰/۶۲
بحرین		
مصر		
عراق		
کویت		

جدول ۸- سرانه GNI (درآمد ناخالص ملی)

نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱		سال ۲۰۱۱		سال ۲۰۰۵		کشورهای خاورمیانه
رتبه	نرخ رشد	رتبه	درآمد سرانه (دلار)	رتبه	درآمد سرانه (دلار)	
۱	۴۶/۴۴۲	۱	۱۰۷/۷۲۱	۱	۶۱/۴۷۹	قطر
۲	۸/۰۹۸	۲	۵۹/۹۹۳	۲	۵۱/۸۹۵	امارات
۳	۴/۵۴۵	۶	۲۲/۸۴۱	۶	۱۸/۲۹۶	عمان
۴	۳/۶۳۶	۷	۱۳/۰۷۶	۸	۹/۴۴۰	لبنان
۵	۲/۵۳۷	۳	۴۷/۹۲۶	۳	۴۵/۳۸۹	کویت
۶	۱/۶۶۴	۵	۲۳/۲۷۴	۵	۲۱/۶۱۰	عربستان
۷	۱/۴۰۶	۸	۱۲/۲۴۶	۷	۱۰/۸۴۰	ترکیه
۸	۱/۰۶۷	۴	۲۸/۱۶۹	۴	۲۷/۱۰۲	بحرین
۹	۱/۰۲۴	۹	۱۰/۱۶۴	۹	۹/۱۴۰	ایران
۱۰	۹۵۹	۱۱	۵/۲۶۹	۱۱	۴/۳۱۰	مصر
۱۱	۸۵۰	۱۰	۵/۳۰۰	۱۰	۴/۴۵۰	اردن
۱۲	۶۹۷	۱۳	۳/۱۷۷	۱۳	۲/۴۸۰	عراق
۱۳	۵۰۳	۱۶	۱/۴۱۶	۱۶	۹۱۳	افغانستان
۱۴	۴۱۳	۱۲	۴/۲۴۳	۱۲	۳/۸۳۰	سوریه
۱۵	۳۲۰	۱۴	۲/۵۵۰	۱۴	۲/۲۳۰	پاکستان
۱۶	۲۳۳	۱۵	۲/۲۱۳	۱۵	۱/۹۸۰	یمن

شاخص‌های نوین توسعه انسانی

از آنجا که شاخص توسعه انسانی (HDI Index) یک شاخص کلی است و به تنهایی نمی‌تواند نمایانگر کامل وضعیت انسانی کشورها باشد و این حقیقت را که گروه‌های مختلف در یک کشور در سطوح نابرابر و متفاوتی از توسعه انسانی قرار دارند، از نظر پنهان می‌دارد، شاخص‌های دیگری ایجاد شده‌اند: «شاخص نابرابری»، «شاخص فقر» و «شاخص جنسیت» از جمله شاخص‌های تعدیل شده توسعه انسانی هستند که به منظور ارائه تصویری واقع‌گرا از چگونگی وضعیت توسعه انسانی طراحی شده‌اند.

شاخص نابرابری^۱

شاخص نابرابری همانند شاخص کلی توسعه انسانی دارای سه بعد بهره‌مندی از زندگی سالم و طولانی (امید به زندگی

در بدو تولد)، برخورداری از دانش (سال‌های مدرسه رفتن) و داشتن استاندارد لازم برای زیستن (درآمد/ مصرف) است (UNDP, 2001). در این شاخص فرض می‌شود که اگر در جامعه‌ای نابرابری وجود نداشته باشد، ارزش شاخص توسعه انسانی مرتبط با نابرابری معادل ارزش شاخص کلی توسعه انسانی خواهد بود، اما در صورت وجود نابرابری ارزش شاخص نابرابری کاهش پیدا می‌کند. "ضریب جینی"، "نابرابری مرتبط با امید به زندگی"، "نابرابری مرتبط با آموزش"، "نابرابری مرتبط با درآمد" و "نابرابری مرتبط با شاخص توسعه انسانی" معرف‌هایی هستند که در زیر مجموعه شاخص نابرابری طرح شده‌اند. از بین این معرف‌ها، داده‌های مربوط به ایران در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ فقط برای دو معرف "ضریب جینی" و "نابرابری مرتبط با امید به زندگی" در دسترس بوده‌اند، از این رو، صرفاً این دو معرف گزارش شده‌اند.

^۱ Inequality Indicator

ضریب جینی (GINI)^۱

ضریب GINI یکی از شاخص‌های تعدیل شده توسعه انسانی است که نابرابری در توزیع درآمد را نشان می‌دهد. این شاخص بر اساس سهم درآمدی دهک‌ها و چارک‌های بالا و پایین جامعه و سهم درآمدی ۱۰ درصد پایین‌ترین اقشار جامعه به ۱۰ درصد ثروتمندترین‌ها و نیز سهم درآمدی ۲۰ درصد فقیرترین به ۲۰ درصد ثروتمندترین اقشار جامعه سنجیده می‌شود. شاخص GINI مقادیری بین صفر تا ۱۰۰ است؛ هر قدر توزیع درآمد در یک کشور عادلانه‌تر باشد، مقدار این شاخص به «صفر» نزدیکتر است. جدول ۹ مقدار این شاخص را برای کشورهای خاورمیانه منعکس می‌کند.^۲ کشور مصر - در بین هفت کشوری که مقدار ضریب GINI برای آنها در دسترس بوده است - کمترین مقدار را داراست و به عبارتی نابرابری در توزیع درآمد در این کشور کمتر است. در مقابل، در کشور قطر ضریب جینی بالاترین مقدار را نشان می‌دهد که بیانگر نابرابری بالا در توزیع درآمد بین دهک‌های جامعه است. ایران نیز با ضریب جینی ۳۹/۳ (در سال ۲۰۰۵) در بین هفت کشور رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

نابرابری مرتبط با امید به زندگی^۳

این شاخص که از محاسبه تفاوت "ارزش شاخص نابرابری در امید به زندگی" با "ارزش شاخص امید به زندگی در بدو تولد" به دست می‌آید، مقداری بین صفر تا یک را نشان می‌دهد. هر چه تفاوت کمتر باشد، مقدار این شاخص به یک نزدیکتر شده، بیانگر نابرابری کمتر است. بر اساس داده‌های جدول ۱۰، کشورهای قطر، امارات، بحرین و کویت، به ترتیب بالاترین ارزش شاخص و به عبارتی کمترین نابرابری را از نظر امید به زندگی دارند. در مقابل، کشورهای افغانستان،

پاکستان و یمن در انتهای جدول بوده، بیشترین نابرابری در امید به زندگی را انعکاس می‌دهند. برای مثال، در نتیجه نابرابری در افغانستان ارزش شاخص امید به زندگی بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. جایگاه ایران نیز از این نظر چندان مناسب نبوده و در بین ۱۶ کشور منطقه رتبه دوازدهم را دارد. ۱۶٫۱ درصد از ارزش شاخص امید به زندگی ایران در نتیجه نابرابری کاهش یافته است.

شاخص فقر چندبعدی (MPI)^۴

این شاخص دربرگیرنده مؤلفه‌هایی چون: "شدت فقر"^۵، "جمعیت فقیر"^۶، و "افراد دارای کمتر از ۱٫۲۵ دلار درآمد در روز"^۷ است. به علت فقدان آمارهای مربوط به این معرّفها برای بیشتر کشورهای منطقه و از جمله ایران، تنها متغیر "افراد دارای کمتر از ۱٫۲۵ دلار درآمد در روز" گزارش می‌شود.

افراد با درآمد کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز (PPP)

این مؤلفه یکی از مؤلفه‌های مهم شاخص فقر چند بعدی یا MPI است. در این معرّف درصد افرادی که کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز (بر حسب PPP یا برابری قدرت خرید به دلار آمریکا) درآمد دارند، مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. در مورد این متغیر نیز برای بسیاری از کشورهای منطقه و برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ داده‌های مورد نیاز به طور کامل در دسترس نیست. بر اساس داده‌های موجود در جدول ۱۱، در کشوری مثل پاکستان در سال ۲۰۰۵ بیشتر از ۲۲ درصد جمعیت کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز درآمد داشته‌اند. بدون لحاظ کردن سال، به ترتیب کشورهای پاکستان و یمن بیشترین درصد و کشور اردن از بین هفت کشور موجود کمترین درصد را داشته‌اند. در ایران نیز ۵٫۵ درصد جمعیت در سال ۲۰۰۵ کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز درآمد داشته‌اند.

^۱ GINI Coefficient

^۲ به دلیل فقدان داده‌های مورد نیاز برای دوره‌های زمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ و پراکندگی این داده‌ها امکان مقایسه زمانی وجود نداشته است. از این رو، در ارزیابی این شاخص سال‌های مختلف بین ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ مبنای مقایسه قرار گرفته است. از ۱۶ کشور خاورمیانه فقط برای ۷ کشور داده‌های مربوط به ضریب جینی در دسترس بوده است.

^۳ Inequality-adjusted life expectancy

^۴ Multidimensional poverty index (MPI)

^۵ Intensity of deprivation

^۶ population in poverty

^۷ Population living below \$1.25 PPP per day

جدول ۹- ضریب GINI

رتبه	کشورهای خاورمیانه	
	سال ۲۰۰۵-۲۰۰۸	(سال) ضریب جینی
۱	مصر	۳۲/۱(۲۰۰۵)
۲	پاکستان	۳۲/۷(۲۰۰۶)
۳	اردن	۳۷/۷(۲۰۰۶)
۴	یمن	۳۷/۷(۲۰۰۵)
۵	ایران	۳۸/۳(۲۰۰۵)
۶	ترکیه	۳۹/۷(۲۰۰۸)
۷	قطر	۴۱/۱(۲۰۰۷)

جدول ۱۰- نابرابری مرتبط با امید به زندگی

رتبه	کشورهای خاورمیانه	
	سال ۲۰۱۱	کاهش ارزش شاخص
۱	قطر	۰/۸۵۴
۲	امارات	۰/۸۳۶
۳	بحرین	۰/۸۱۵
۴	کویت	۰/۸۰۳
۵	سوریه	۰/۷۹۳
۶	عمان	۰/۷۷۶
۷	عربستان	۰/۷۵۳
۸	ترکیه	۰/۷۴۲
۹	اردن	۰/۷۳۲
۱۰	مصر	۰/۷۲۳
۱۱	لبنان	۰/۷۱۸
۱۲	ایران	۰/۷۰۱
۱۳	عراق	۰/۶۱۷
۱۴	یمن	۰/۵۳۷
۱۵	پاکستان	۰/۴۸۵
۱۶	افغانستان	۰/۲۲۲

جدول ۱۱- درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز (PPP)

رتبه	کشورهای خاورمیانه	
	سال ۲۰۰۵-۲۰۰۷	درصد
۱	پاکستان	۲۲/۶(۲۰۰۶)
۲	یمن	۱۷/۵(۲۰۰۵)
۳	عراق	۴(۲۰۰۷)
۴	ترکیه	۲/۷(۲۰۰۵)
۵	مصر	۲(۲۰۰۵)
۶	ایران	۱/۵(۲۰۰۵)
۷	اردن	۰/۴(۲۰۰۶)

شاخص جنسیت^۱

شاخص جنسیت، از شاخص‌هایی است که با هدف تعدیل

شاخص توسعه انسانی تدوین شده است. بر اساس این شاخص، برخی مؤلفه‌های توسعه انسانی از نظر تفاوت‌های جنسیتی ارزیابی شده است. عمده‌ترین معرف‌های شاخص

^۱ Gender Indicator

بالاترین نرخ رشد را در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۵ از نظر افزایش سهم زنان در نیروی کار داشته‌اند و در مقابل سهم زنان در کشورهای بحرین و مصر کاهش یافته است. به طور کلی، می‌توان گفت که افزایش یا کاهش مشارکت زنان در نیروی کار در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ زیاد چشمگیر نیست. سهم زنان در نیروی کار در سال ۲۰۰۵ تنها در کشور کویت بیشتر از ۵۰ درصد بوده است و در سال ۲۰۰۹ همراه با کویت، ۵۰ درصد رسانده است. عراق، پاکستان، سوریه و عربستان نیز به ترتیب پایین‌ترین درصد مشارکت زنان در ۲۰۰۹ را دارند. در ایران نرخ رشد مشارکت زنان در نیروی کار در ۲۰۰۹ نسبت به ۲۰۰۵ بسیار ناچیز و در حدود ۰/۰۲ درصد بوده است. در هر دو سال، سهم زنان به مردان تقریباً ۴۰ درصد است. ایران هم در ۲۰۰۵ و هم ۲۰۰۹ رتبه چهارم را بعد از کشورهای کویت، قطر و امارات در بین ۱۶ کشور خاورمیانه داشته است.

نسبت زنان به مردان در مشارکت پارلمانی^۳

مشارکت زنان در پارلمان در کنار شاخص‌هایی چون آموزش، اشتغال و درآمد از جمله شاخص‌های توسعه مبتنی بر جنسیت است. برابری زنان و مردان از نظر این شاخص‌ها بیانگر برابری جنسیتی و برتری مردان نشان‌دهنده وجود ارزش‌های پدرسالاری یا مردسالاری و به عبارتی نابرابری و تبعیض جنسیتی است. جدول ۱۴ میزان مشارکت زنان نسبت به مردان در پارلمان را به طور مقایسه‌ای برای کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ نشان می‌دهد. بر اساس داده‌ها، کشورهای عراق، امارات و بحرین به ترتیب بیشترین نرخ رشد را از نظر مشارکت زنان در پارلمان در ۲۰۱۱ نسبت به ۲۰۰۵ داشته‌اند. در مقابل نرخ رشد کشورهای لبنان، ایران و مصر منفی بوده؛ یعنی مشارکت زنان کاهش یافته است. از نظر مقایسه‌ای، در سال ۲۰۰۵ کشورهای افغانستان (۳۵/)، پاکستان (۲۶/۷) و سوریه (۱۴/۱) به ترتیب بیشترین سهم مشارکت زنان در

جنسیت عبارتند از: "نسبت آموزش متوسطه زنان به مردان"؛ سهم زنان در نیروی کار نسبت به مردان؛ نسبت زنان در پارلمان به مردان؛ "نرخ باروری زنان ۱۵-۱۹ ساله"؛ و "نرخ مرگ و میر مادران در هر تولد زنده". اگر سهم یا نسبت زنان در سه معرف نخست نسبت به مردان برابر یا نزدیک باشد و همچنین، اگر نرخ باروری زنان ۱۵-۱۹ ساله و مرگ و میر مادران کمتر باشد، نابرابری جنسیتی کمتر است و بالعکس. در اینجا صرف سه معرف نخست گزارش می‌شوند.

جمعیت دارای حداقل آموزش متوسطه (نسبت زنان به مردان)^۱

این معرف نسبت زنان به مردان از نظر داشتن حداقل آموزش متوسطه را نشان می‌دهد. داده‌های جدول ۱۲ این نسبت را در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ برای ۱۴ کشور منطقه نشان می‌دهد. از نظر نرخ رشد در سال ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۵ کشور سوریه بالاترین رشد را داشته، ایران در رتبه دوم قرار دارد. رشد کشور افغانستان و همچنین، امارات در سال ۲۰۱۰ منفی بوده و به عبارتی کمتر شده است. با وجود این، در کشور امارات و همچنین، کشورهای قطر و کویت در سال ۲۰۰۵ آموزش متوسطه در بین زنان بیشتر از مردان بوده است. ایران در سال ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۵ در این شاخص تقریباً ۷٪ رشد داشته است، با وجود این، رتبه ایران در ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۵ تغییری نکرده و ایران در بین ۱۴ کشور رتبه نهم را داراست. براساس داده‌ها، در ایران نسبت آموزش متوسطه زنان به مردان در ۲۰۰۵ برابر ۰/۶۱ و در ۲۰۱۰ برابر ۰/۶۸ بوده است.

نرخ مشارکت نیروی کار (نسبت سهم زنان به مردان)^۲

معرف دوم شاخص جنسیت، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار نسبت به زنان است. جدول ۱۳ داده‌های مربوط به این شاخص را برای کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ نشان می‌دهد. کشورهای قطر، پاکستان و امارات به ترتیب

^۱ Population with at least secondary education (Ratio of female to male rates)

^۲ Labour force participation rate, female-male ratio (Ratio of female to male shares)

^۳ Shares in parliament, female-male ratio

می‌آورد. سهم زنان در پارلمان ایران در ۲۰۰۵ تقریباً ۰/۰۴ بوده است و این سهم در ۲۰۱۱ به ۰/۰۳ کاهش می‌یابد. از این رو، نرخ رشد ایران منفی شده و رتبه ایران از ۹ در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۵ در ۲۰۱۱ سقوط می‌کند.

پارلمان را به خود اختصاص داده‌اند. در ۲۰۱۱ نیز کشور افغانستان رتبه اول را دارا بوده است و در کشور عراق که در ۲۰۰۵ سهم زنان صفر بوده است، در ۲۰۱۱ این سهم به ۰/۳۴ می‌رسد و رتبه دوم را در بین ۱۶ کشور خاورمیانه به دست

جدول ۱۲- جمعیت دارای حداقل آموزش متوسطه (نسبت زنان به مردان)

رتبه	نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰		سال ۲۰۱۰		سال ۲۰۰۵		کشورهای خاورمیانه
	رتبه	نرخ رشد	رتبه	نسبت زنان به مردان (درصد)	رتبه	نسبت زنان به مردان (درصد)	
۱	۰/۱۰۳	۳	۱/۰۲۵	۴	۰/۹۲۲	سوریه	
۲	۰/۰۶۹	۹	۰/۶۸۲	۹	۰/۶۱۳	ایران	
۳	۰/۰۶۴	۱۳	۰/۳۱۱	۱۴	۰/۲۴۷	یکم	
۴	۰/۰۶۱	۶	۰/۸۶۸	۶	۰/۸۰۷	عربستان	
۵	۰/۰۵۸	۸	۰/۷۳۲	۸	۰/۶۴۷	مصر	
۶	۰/۰۵۴	۱۲	۰/۵۰۲	۱۲	۰/۴۴۸	پاکستان	
۷	۰/۰۵۱	۵	۰/۹۲۶	۵	۰/۸۷۵	بحرین	
۸	۰/۰۴۵	۲	۱/۱۳۶	۲	۱/۰۹۱	قطر	
۹	۰/۰۴۲	۱	۱/۱۸۹	۱	۱/۱۴۷	کویت	
۱۰	۰/۰۴۱	۱۰	۰/۵۸	۱۰	۰/۵۳۹	ترکیه	
۱۱	۰/۰۳۵	۷	۰/۷۶۹	۷	۰/۷۳۴	اردن	
۱۲	۰/۰۱۳	۱۱	۰/۵۱۵	۱۱	۰/۵۰۲	عراق	
۱۳	-۰/۰۱۶	۴	۰/۹۹۵	۳	۱/۰۱۱	امارات	
۱۴	-۰/۱۰۴	۱۴	۰/۱۷۱	۱۳	۰/۲۷۵	افغانستان	
						لبنان	
						عمان	

جدول ۱۳- نرخ مشارکت نیروی کار (نسبت مشارکت زنان به مردان)

رتبه	نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹		سال ۲۰۰۹		سال ۲۰۰۵		کشورهای خاورمیانه
	رتبه	نرخ رشد	رتبه	نسبت زنان به مردان (درصد)	رتبه	نسبت زنان به مردان (درصد)	
۱	۰/۰۴۱	۲	۰/۵۳۷	۲	۰/۴۹۶	قطر	
۲	۰/۰۲۷	۱۵	۰/۲۵۶	۱۵	۰/۲۲۹	پاکستان	
۳	۰/۰۲۴	۳	۰/۴۵۴	۳	۰/۴۳	امارات	
۴	۰/۰۲۲	۴	۰/۴۳۷	۴	۰/۴۱۵	ایران	
۵	۰/۰۱۹	۱۳	۰/۲۶۶	۱۴	۰/۲۴۷	عربستان	
۶	۰/۰۱۷	۹	۰/۳۱۵	۱۰	۰/۲۹۸	اردن	
۷	۰/۰۱۷	۱۲	۰/۲۷۱	۱۲	۰/۲۵۴	یمن	
۸	۰/۰۱۴	۱۰	۰/۳۱۲	۱۱	۰/۲۹۸	لبنان	
۹	۰/۰۱۳	۵	۰/۳۹۲	۶	۰/۳۷۹	افغانستان	
۱۰	۰/۰۱۳	۸	۰/۳۳	۸	۰/۳۱۷	عمان	
۱۱	۰/۰۱۲	۱۴	۰/۲۶۵	۱۳	۰/۲۵۳	سوریه	
۱۲	۰/۰۰۸	۱	۰/۵۵	۱	۰/۵۴۲	کویت	
۱۳	۰/۰۰۷	۱۶	۰/۲	۱۶	۰/۱۹۳	عراق	
۱۴	۰	۷	۰/۳۴۴	۷	۰/۳۴۴	ترکیه	
۱۵	-۰/۰۰۴	۶	۰/۳۸۱	۵	۰/۳۸۵	بحرین	
۱۶	-۰/۰۱۴	۱۱	۰/۲۹۷	۹	۰/۳۱۱	مصر	

جدول ۱۴- مشارکت پارلمانی (سهم زنان به مردان)

نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹		سال ۲۰۰۹		سال ۲۰۰۵		کشورهای خاورمیانه
رتبه	نرخ رشد	رتبه	نسبت زنان به مردان (درصد)	رتبه	نسبت زنان به مردان (درصد)	
۱	۰/۳۳۷	۲	۰/۳۳۷	۱۶	۰	عراق
۲	۰/۲۸۹	۳	۰/۲۹	۱۳	۰/۰۰۱	امارات
۳	۰/۰۹۵	۵	۰/۱۷۶	۵	۰/۰۸۱	بحرین
۴	۰/۰۶۷	۱۰	۰/۰۸۳	۱۱	۰/۰۱۶	کویت
۵	۰/۰۶۱	۷	۰/۱۳۹	۶	۰/۰۷۸	اردن
۶	۰/۰۵۴	۸	۰/۱	۸	۰/۰۴۶	ترکیه
۷	۰/۰۳۲	۱	۰/۳۸۲	۱	۰/۳۵	افغانستان
۸	۰/۰۱۴	۹	۰/۰۹۹	۴	۰/۰۸۵	عمان
۹	۰/۰۰۷	۴	۰/۲۶۶	۲	۰/۲۵۹	پاکستان
۱۰	۰/۰۰۶	۶	۰/۱۴۲	۳	۰/۱۳۶	سوریه
۱۱	۰	۱۵	۰/۰۰۱	۱۴	۰/۰۰۱	عربستان
۱۱	۰	۱۴	۰/۰۰۷	۱۲	۰/۰۰۷	یمن
۱۱	۰	۱۶	۰/۰۰۱	۱۵	۰/۰۰۱	قطر
۱۴	-۰/۰۰۱	۱۱	۰/۰۳۸	۱۰	۰/۰۳۹	مصر
۱۵	-۰/۰۱۵	۱۳	۰/۰۲۸	۹	۰/۰۴۳	ایران
۱۶	-۰/۰۱۷	۱۲	۰/۰۳۲	۷	۰/۰۴۹	لبنان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در چارچوب اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله (۱۳۸۴-۱۴۰۴)، که بر اساس آن باید ایران در مدت بیست سال به قدرت اول اقتصادی منطقه و توسعه‌یافته‌ترین کشور در بین کشورهای خاورمیانه تبدیل گردد، در مقاله حاضر کوشش شد تا تصویری از وضعیت اقتصادی - اجتماعی کنونی کشور در قالب شاخص توسعه انسانی و بعد از گذشت بیش از یک چهارم مدت زمان پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز ارائه شود. در این بررسی، روند تغییرات شاخص‌ها و مؤلفه‌های مختلف توسعه انسانی در دوره زمانی ۲۰۰۵ (سال شروع سند چشم‌انداز) و ۲۰۱۱ و به طور تطبیقی در بین ۱۶ کشور خاورمیانه ارزیابی شده است.

روند شاخص توسعه انسانی کشورهای خاورمیانه از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ (جدول ۱۵) نشان می‌دهد که ارزش شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۱۱ تقریباً ۰/۰۳۶ رشد داشته است و بعد از افغانستان، یمن و

امارات متحده عربی در رتبه چهارم از نظر رشد ارزش شاخص قرار دارند؛ یعنی ارزش شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۱ به ۰/۷۰۷ رسیده که جزو کشورهای با توسعه "متوسط" است. این در حالی است که به ترتیب امارات، قطر و بحرین با ارزش شاخص بالای ۰/۸۰ در زمره کشورهای با توسعه انسانی "بالا" طبقه‌بندی می‌شوند. رشد ارزش شاخص توسعه انسانی از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ باعث شده است تا "ایران" در بین ۱۶ کشور منطقه از رتبه نهم در سال ۲۰۰۵ به رتبه هفتم در سال ۲۰۱۱ ارتقا یابد. در این دوره زمانی "بحرین" توانسته است خود را از کشوری با سطح توسعه انسانی متوسط، به کشوری با توسعه بالا برساند و "پاکستان" نیز توانسته است با ارتقای جایگاه خود از سطح پایین به سطح کشورهای با توسعه انسانی متوسط دست یابد.

روند شاخص کلی توسعه انسانی بیانگر رشد این شاخص و ارتقای جایگاه ایران است. باوجود این بررسی جزئیات این شاخص و مؤلفه‌های آن، نشان‌دهنده مسائل و موضوع‌هایی

ایران تغییری نکرده و ثابت مانده و در موارد معدودی به رتبه پائین سقوط کرده است.

است که ضرورت تلاش‌ها و موفقیت‌های بیشتر را می‌طلبد؛ به طوری که هنوز ایران نسبت به جایگاه مفروض در سند چشم‌انداز فاصله زیادی دارد و در بسیاری شاخص‌ها جایگاه

جدول ۱۷- روند شاخص توسعه انسانی

نرخ رشد ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱		سال ۲۰۱۱		سال ۲۰۰۵		کشورهای خاورمیانه
رتبه	نرخ رشد	رتبه	ارزش شاخص	رتبه	ارزش شاخص	
۱	۰/۰۵۸	۱۶	۰/۳۹۸	۱۶	۰/۳۴	افغانستان
۲	۰/۰۴	۱۵	۰/۴۶۲	۱۵	۰/۴۲۲	یمن
۳	۰/۰۳۹	۱	۰/۸۴۶	۲	۰/۸۰۷	امارات
۴	۰/۰۳۶	۷	۰/۷۰۷	۹	۰/۶۷۱	ایران
۵	۰/۰۳۳	۱۱	۰/۶۴۴	۱۲	۰/۶۱۱	مصر
۶	۰/۰۲۸	۶	۰/۷۳۹	۶	۰/۷۱۱	لبنان
۷	۰/۰۲۸	۹	۰/۶۹۹	۱۰	۰/۶۷۱	ترکیه
۸	۰/۰۲۵	۱۰	۰/۶۹۸	۸	۰/۶۷۳	اردن
۹	۰/۰۲۴	۱۴	۰/۵۰۴	۱۴	۰/۴۸	پاکستان
۱۰	۰/۰۲۴	۴	۰/۷۷	۵	۰/۷۴۶	عربستان
۱۱	۰/۰۲۱	۱۳	۰/۵۷۳	۱۳	۰/۵۵۲	عراق
۱۲	۰/۰۱۳	۲	۰/۸۳۱	۱	۰/۸۱۸	قطر
۱۳	۰/۰۱۱	۳	۰/۸۰۶	۳	۰/۷۹۵	بحرین
۱۴	۰/۰۱۱	۸	۰/۷۰۵	۷	۰/۶۹۴	عمان
۱۵	۰/۰۱۱	۱۲	۰/۶۳۲	۱۱	۰/۶۲۱	سوریه
۱۶	۰/۰۰۸	۵	۰/۷۶	۴	۰/۷۲۵	کویت

دارد (رتبه چهارم در بین ۱۱ کشور)، اما در شاخص‌های دیگر هنوز فاصله ایران با رتبه‌های نخست بسیار زیاد است. از نظر شاخص "باسوادی بزرگسالان" ایران بالاترین رشد را داشته است. با وجود این، نرخ باسوادی در سال ۲۰۱۱ تقریباً ۸۵ درصد است که در بین ۱۳ کشور جایگاه هشتم را نصیب ایران کرده است. همچنین، در شاخص "نرخ ثبت نام ناخالص ترکیبی در مدارس" ایران با میانگین ۷۰ درصد در بین ۱۲ کشور رتبه هفتم را داراست.

از نظر نرخ رشد درآمد سرانه ایران رتبه هشتم را در بین ۱۶ کشور داراست، اما از نظر میزان درآمد، رتبه ایران در سال ۲۰۱۱ نسبت به ۲۰۰۵ تغییری نکرده و جایگاه نهم را به دست آورده است. درآمد سرانه ایران در ۲۰۱۱ تقریباً ۱۰ هزار دلار آمریکا بوده است. این در حالی است که در آمد سرانه کشور

از نظر معرف‌های شاخص بهداشت وضعیت ایران چندان مطلوب نیست. اگرچه در شاخصی مانند "هزینه‌های بهداشتی بخش عمومی" ایران رتبه نسبتاً خوبی دارد و هم در ۲۰۰۵ و هم در ۲۰۰۹ رتبه چهارم را در منطقه کسب کرده است، اما در بقیه شاخص‌ها وضعیت مناسب نیست. در شاخص "مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال" ایران هم در ۲۰۰۵ و هم در ۲۰۰۹ رتبه دوازدهم را در بین ۱۶ کشور داشته است. همچنین، اگرچه "امید به زندگی" در ایران از ۷۱ به ۷۳ افزایش یافته، اما در ۲۰۱۱ ایران هنوز در جایگاه دهم قرار داشته و با جایگاه کشور قطر (۷۸ سال) به عنوان رتبه نخست فاصله زیادی دارد.

در مورد شاخص‌های آموزشی، در برخی مؤلفه‌ها مانند "هزینه عمومی آموزش" ایران جایگاه نسبتاً خوبی در منطقه

قطر ۱۰۷ هزار دلار است که در جایگاه نخست قرار دارد. در شاخص نابرابری بر اساس "ضریب جینی"، ایران در خاورمیانه و در بین هفت کشور پس از قطر و ترکیه بالاترین سطح نابرابری را دارد که بیانگر توزیع ناعادلانه ثروت در کشور است و در شاخص "نابرابری مرتبط با امید به زندگی" نیز جایگاه ایران چندان مناسب نبوده و در بین ۱۶ کشور منطقه رتبه ۱۲ را دارد. ۱۶٫۱ درصد از ارزش شاخص امید به زندگی در ایران در نتیجه نابرابری کاهش یافته است.

از نظر معرف‌های شاخص جنسیت، در دو شاخص "سهم زنان از نظر داشتن حداقل آموزش متوسطه" و "مشارکت زنان در نیروی کار" جایگاه ایران در سال ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۵ تغییری نکرده است. در شاخص نخست ایران جایگاه نهم و در شاخص دوم جایگاه چهارم را به دست آورده است، اما در معرف "سهم زنان در مشارکت پارلمانی" جایگاه ایران در ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۵ بسیار کاهش یافته و از رتبه نهم به رتبه سیزدهم سقوط کرده است.

منابع

آذر، عادل و غلامرضایی، داود. (۱۳۸۵). «رتبه‌بندی استان‌های کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها (با به کارگیری شاخص‌های توسعه انسانی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۸، ش ۲۷، ص ۱۵۳-۱۷۴.

بختیاری، صادق؛ دهقانی‌زاده، مجید و حسین‌پور، سیدمجتبی. (۱۳۸۵). «بررسی جایگاه استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی»، مجله علمی - پژوهشی دانش و توسعه، ش ۱۹، ص ۱۱-۳۹.

دهم‌ده، نظر؛ اسفندیاری، مرضیه و رادنی‌ا، مرجان. (۱۳۸۹). «ارزیابی شاخص توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، ش ۳۶، ص ۱۶۷-۱۸۴.

روشه، گی. (۱۳۸۵). *تغییرات اجتماعی*، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

صادقی، حسین؛ عبدالهی‌حقی، سولماز و عبدالله‌زاده، لیلا. (۱۳۸۶). «توسعه انسانی در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۴، ص ۲۸۳-۳۰۴.

عباسی‌نژاد، حسین و رفیعی‌امام، علینقی. (۱۳۸۵). «ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۷۲، ص ۳۱-۵۴.

فیض‌زاده، علی. (۱۳۸۲). «بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های توسعه انسانی ایران و کشورهای همسایه»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۹، ص ۱۳-۲۵.

کلاتری، صمد و شیرینی، حامد. (۱۳۸۶). «برخی شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه در میان کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۲۴۴-۲۴۳، ص ۱۷۸-۱۹۱.

موسوی‌خامنه، مرضیه؛ ودادهیر، ابوعلی و برزگر، نسرين. (۱۳۸۹). «توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان (نتایج مطالعه‌ای بین‌کشوری)»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، ش ۴، ص ۵۱-۷۳.

Human Development Report. (1994) UNDP, New York oxford, university Press.

UNDP. (2011) *Technical Notes*, available at: http://hdr.undp.org/en/media/HDR_2011_EN_TechNotes.pdf (20March 2013)

HDR. (2004) *Human Development Report*, Available at: <http://hdr.undp.org/reports/global/2004> 15May 2005

HDR. (2005) *Human Development Report*, Available at: <http://hdr.undp.org/reports/global/2005> 20March 2013

HDR. (2011) *Human Development Report*, Available at: <http://hdr.undp.org/reports/global/2011> 20 March 2013